

## گوشه‌ای از تاریخ محاکمات در ایران

### به نقل از راپرت وزارت عدلیه

۱۲ صفر سنه ۱۳۲۵ مجلس ابتدایی اولی رکن الممالک

عالیجناب آقای شیخ مهدی سبزواری متظلم گردید که معتمدالسلطان محمد رحیم خان مبلغ پانصد و چهار تومان از من گرفته است باید رد کند در این مسأله با حضور طرفین بنحویکه تقریر متداعین مختوماً ثبت و ضبط است رسیدگی شد سه طفر ۱ سؤال آقای شیخ مهدی ابراز کرد که جنابان حاج میرزا حسین و حاج میرزا حسن در صدر ورقه از آنها نوشته بودند که مشخصاً خسارت بر شما وارد شده ولی تعیین آن را نکرده بودند لیکن جناب حاج میرزا محمدباقر شریعتمدار سبزواری مرقوم فرمودند که محمد رحیم خان اصالتاً و وکالتاً از جناب شهاب الممالک نزد من آمدند و محمد رحیمخان در ضمن مذاکرات اقرار بر اخذ چهار صد تومان نمود و من تکلیف به صلح کردم طرفین رفته دیگر نیامدند. محمد رحیم خان جوابداد که شاید بملاحظه این طور مرقوم فرموده باشند. و بالمره انکار از اقرار در محضر مزبور نمود چون سوای جناب حاج میرزا محمد باقر شریعتمدار کس دیگری از آنان تعیین میزان نفرموده‌اند و به جناب معزی الیه هم نسبت طرفیت می‌دهند لهذا باتفاق آراء اگرچه جناب شریعتمدار میزان مصالحه را بکلمه چهار صد تومان تصریح کرده است. ولی محمد رحیمخان معزی الیه را با خودش طرف می‌داند و انکار از اقرار خود دارد. اما جناب حاج میرزا حسین که مجتهد مسلم است تعدیات محمد رحیمخان را بکلمه مشفیعاً مرقوم داشته و از تعدیات وارده ابدأ

تردید ندارند. نهایت مقدار تعدی نامعلوم است باید آقای شیخ مهدی در محضر مرضی مقدار تعدیرا که ادعا می‌کند ثابت کرده بعد از صدور حکم قطعی از محضر شرع مطاع دریافت دارند.

شرح دستخط مبارک. مجلس اجراء رجوع به شرع را مجری دارند. فرمانفرما

### ۲۵ صفر سنه ۱۳۲۵ مجلس ابتدایی اولی رکن الممالک

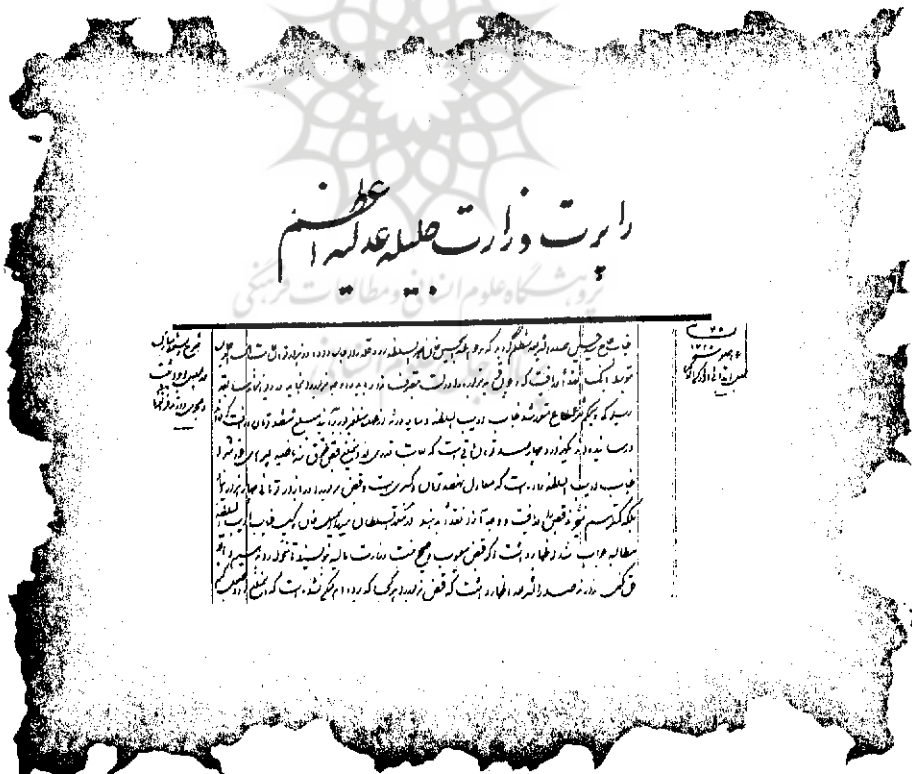
محمد فراش حضرت والد آقای نائب السلطنه متظلم شد که ضعیفه سلطان نام اسباب مرا از نقدینه در خوت دزدیده و در محضر شرع اقرار کرده و حکم صادر کرده‌اند به اداره نظمیہ تظلم نموده و مشارالیه را حاضر و در نزد محقق نظمیہ هم اقرار بر سرقت اسباب کرد استرداد اموال من نشد (سؤال شد از محمد) که صاحب اسباب شما هستید یا خیر و چطور دزدیده جواب داده این اسباب قدری از رضا دستگاه دار و قدری از خواهر زنم و قدری هم از خودم است. شناختن این ضعیفه و پیدا کردن او را آقا سیدعلی نهاوندی که از قرآن مجید فال گرفته سلطان را نشان داد. و سیاهی هم گفت که این سلطان احتمال می‌رود اسباب شما را دزیده باشد به این جهت مشارالیه را دستگیر کردیم بردیم به اداره و از محقق نظمیہ مراتب اعلام شد راپرت تحقیق خود را مشروحاً نوشته که در دیوان خانه ضبط است. مدلول آن این است که ضعیفه سارقه نیست در اینمدت هم بسمت دزدی به اداره نیامده. رضای دستگاه دار و محمد فراش بی‌مأخذ می‌گویند و سید کاظم ضعیفه را در خانه رضا چوب در آستین او کرده و از بام خانه آویخته و میخ طویله را به او استعمال کرده و تخم مرغ داغ نموده که به مشارالیه استعمال کند. ضعیفه گفته مرا اذیت نکنید می‌گویم او را پایین آورده و گفته چه بگویم: خبر از اسباب ندارم گفته‌اند اینطور بگو که بتکدی آمده بودم دیدم مشهدی حسین سمسار از بالا خانه پایین آمد و بچه در زیر بغلش بوده باو گفتم قسمت مرا هم بده گفت اسم من مشهدی حسین است دکان من در چهارراه حسن آباد است بیا آنجا سهم تو را می‌دهم بعد مرا برده نزد پیشنهاد محله همین طور اقرار کردم بعد که آوردند در اداره صدماتی که به او زده بودند تقریر کرد و قسم خورد مشهدی حسین را هم نمیشناسم رضا دستگاه دار و سید کاظم را احضار پس از حضور استنطاقات لازمه به عمل آورده از سید کاظم و رضا سؤالات شد که در

اوراق علیحده مختوم و ضبط است و آقا سید کاظم که این صدمات را به ضعیفه زده خلاف قانون بوده و رضای دستگاه دار جواب داد که اسباب مال عیال من و مال غیر هم نمی دانم و ضعیفه را برای استرداد اسباب به منزل خود آوردم و آقا سید کاظم آمد محقق شد ضعیفه سلطان را در دیوانخانه حاضر شد بطوری که در اداره نظمییه تقریر کرده بود در محکمه هم همانطور اقرار کرد در لایحه ضبط است. لهذا باتفاق آراء چون نسبت سرقت بضعیفه سلطان نام بحکم مال گفته و گفته سیاهی بوده و اقراری هم که در محضر پیشنهاد کرده مدعی اجباری بوده محکوم واقع نمی شود و اسباب هم معلوم نشده است از تحقیقاتی که مال محمد باشند.

شرح دستخط مبارک

بارسیدگی اداره نظمییه و تحقیقاتی که شده است ابداً حق تعرض بضعیفه ندارد

مجلس اجرا ثبت و مجری دارند.



### ۲۶ صفر سنه ۱۳۲۵ اولی رکن الممالک

جناب حاج سید حسین صدرالشریعه متظلم گردید که مرحوم عبدالحسین خان ناصرالسلطنه رود حله را اجاره داده دو هزار تومان بابت مال الاجاره بتوسط بانک نقداً دریافت کرده چون قریه مزبور را دولت به تصرف نداد باید رد وجه مزبور را بنماید در دیوانخانه سابقه‌ی رسیدگی و بحکم شرح مطاع مقرر شد جناب ادیب السلطنه و سایر ورثه از عهده مبلغ مزبور برآیند مبلغ ششصد تومان دریافت کرده‌اند. و رسانیده‌اند یک هزار و چهار صد تومان باقی است که از بابت قدری از این مبلغ قبض حقوق سه ناحیه پسرهای خودش را جناب ادیب السلطنه داده است که معادل نهصد تومان و کسری است و قبض مزبور را در بازار تومانی چهار هزار دینار بلکه کمتر هم نمی‌خرند قبض را دریافت و وجه آن را نقداً بدهند. از معتمدالسلطان میرزا اسمعیل خان وکیل جناب ادیب السلطنه مطالبه جواب شد اظهار داشت اگر قبض معیوب و صحیح نیست وزارت مالیه بنویسند تا تنخواهم را ندهیم.

والا حق نکول ندارند. صدرالشریعه اظهار داشت که قبض مزبور را هر کجا که برده‌ام ممکن نشده است که این مبلغ را وصول کنم چقدر باید معطل شوم که آیا دولت مرحمت کند یا ندهند اگر وصولی یا غیروصولی است خود دانند این قبض را داده‌اند که من در مقام وصول برآیم خوشان هم همراهی کنند. حالا که وصول نمی‌شود تقصیر من چیست حتی مزمت وزیر مالیه و معادل الدوله و بانک ملی هم بردم ثمری نکرد فرضاً هم اگر دست هم بدهد یکمرتبه نخواهند داد. شش ماه طلب دارد معهذا به اتفاق آرا باید جناب ادیب السلطنه قبض مزبور را دریافت و خودشان وصول نمایند و نهصد و کسری طلب جناب صدرالشریعه را خودشان نقداً بدهند که رفع تظلم بشود.

شرح دستخط مبارک در مجلس اجرا ثبت و مجری دارند. فرمانفرما